

تأثیر اندیشه مهدویت در شکل‌گیری حکومت سربداران

معصومه امامی روشناوند

محمد مصطفایی

جواد قاسمی روشناوند

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر اندیشه مهدویت در شکل‌گیری حکومت سربداران بود. مطالعات کتابخانه‌ای نشان داد که، حکومت سربداران اولین قیام مردمی بود که در مقابل مغول قیام کرد و آنان را از سریر قدرت در خراسان بزرگ به زیر کشید. هرچند عوامل متعددی همچون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و آزادگی در بروز و ظهور قیام سربداران نقش داشته، اندیشه نزدیکی ظهور و بشارت‌های شیخ‌خلیفه و شیخ‌حسن جوری درباره قریب‌الوقوع بودن ظهور امام مهدی، مهم‌ترین عامل انسجام سربداران و پیروزی آنان بر حاکمان مغول بوده است. بنابراین باورهای عرفانی متأثر از تفکرات شیعه امامیه، در کنار ظلم‌ستیزی و دادگستری مبتنی بر اعتقادات مذهبی، مهم‌ترین انگیزه برای جذب مردم به این جنبش شد، و با الهام از مکتب مهدوی، با هدف استقرار یک حکومت مشروع و به منظور براندازی تشکیلات غیر شرعی ملوک الطوائفی و حذف بقایای قوانین و رسوم یاسایی عهد مغول شکل گرفت و توانست به مدت ۵۰ سال بر خراسان حکومت کند.

واژگان کلیدی: انتظار، سربداران، اندیشه مهدویت، سبزوار.

مقدمه

سربداران، مردمانی صوفی‌مسلك و اثناعشری بودند که در غرب خراسان بزرگ و در سال ۷۳۶ قمری به پیروی از تعالیم شیخ‌خلیفه و شیخ‌حسن جوری علیه ظلم و جور حاکمان محلی و بازماندگان دولت ایل‌خانی برخاستند و نزدیک به نیم‌قرن بر غرب خراسان حکم راندند. سربداران، نخستین دولت مردمی بود که با اندیشه شیعی، گرایش‌های صوفیانه و انگیزه زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام تشکیل شد و سرمشقی برای قیام‌های بعد از خود گردید (رشیدالدین، ۱۳۷۴).

قیام سربداران در خراسان آغاز و استمرار یافت و در همان‌جا به خاموشی گرایید. نقش اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی خراسان در بین دیگر ممالک اسلامی به اندازه‌ای مهم و تأثیرگذار بوده که در همه حادثه‌های تاریخی و اجتماعی نامی از خراسان و خراسانیان را می‌توان یافت. آغاز کار بیشتر حکومت‌ها بعد از بنی‌امیه از ماوراءالنهر و خراسان بوده است. آن‌گاه که مغولان وارد ممالک اسلامی شدند، بعد از شهرهای ماوراءالنهر، خراسانیان اولین قربانیان این یورش بودند و نیشابور سمبل ویرانی، قتل و غارت مغول‌ها شد. دولت ایل‌خانیان با مرگ آخرین خان مغول، ابوسعید ایل‌خانی، در خراسان به پایان رسید و با ظهور دولت سربداری از میان رفت (اصطخری، ۱۳۶۸).

ظهور دولتی مردمی با شیوه و ایدئولوژی منحصر به فرد، از مهم‌ترین حادثه‌های تاریخی خراسان به‌شمار می‌آید. این قیام به دلیل ویژگی‌هایش توجه محققان و تاریخ‌نگاران را به خود جلب کرده است؛ هرچند آنان به جنبه‌های مردمی و انقلابی آن بیشتر توجه کرده‌اند، به دیگر جنبه‌های آن نپرداخته‌اند. به همین دلیل، ما قصد داریم در این پژوهش به نقش اندیشه مهدویت، در ظهور و استمرار سربداران بپردازیم و به این سوال پاسخ دهیم که اندیشه مهدویت چه تأثیری بر قیام سربداران در سبزوار داشته است؟

اوضاع سیاسی و اجتماعی خراسان هنگام قیام سربداران

یکی از گروه‌هایی که اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام در شکل‌گیری و استمرار آن نقش بسیار مهمی داشتند، سربداران بودند. سربداران نام جنبش مردمی پیشه‌وران و صوفیان شیعه دوازده امامی سبزوار بود که در سال ۷۳۶ هجری، به پیروی از آموزش‌های شیخ خلیفه و

شیخ حسن جوری، علیه ظلم و جور حاکمان محلی شکل گرفت و در قالب حکومت مردمی، نیم قرن در منطقه مسلط بود. درباره وجه تسمیه این جنبش نوشته‌اند که در پی غائله «باشتین» اعضای این گروه «داری» بیرون ده نصب کردند و دستارها بردار نمودند و... نام خود را «سربدار» نهادند. سربداران معتقد بودند: اگر خداوند ما را توفیق دهد، رفع ظلم و دفع ظالمان کنیم؛ وگرنه سر خود را بر دار اختیار کرده‌ایم. آورده‌اند که سربداران سر خود بر دار دیدن را به هزار نامردمی کشته شدن، ترجیح می‌دادند (سید جوادی، ۱۳۸۹).

زمینه ظهور و خروج سربداران، در بستر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران پس از هجوم مغولان فراهم آمد. با فروپاشی حکومت ایلخانان، حاکمان محلی در اطراف و اکناف ایران حکومت‌های مستقلی پایه گذاشتند و به جنگ قدرت با هم پرداختند. ظلم و جور این امیر نشینان مستقل و تجاوز و تعرض آنان به حقوق مردم و خرده مالکان، موجی از نارضایتی را در منطقه برانگیخت. در این میان شرایط مغشوش سیاسی و اجتماعی خراسان، زمینه را برای بروز یک قیام مردمی فراهم آورد. ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی - که در پی استیلای مغولان در جامعه پدید آمد و با انحطاط حکومت آنها شدت یافت - انگیزه‌های لازم را در مردم برای پیوستن به یک قیام مذهبی ایجاد کرد. این در حالی بود که متعاقب حمله مغولان و حذف پایگاه‌های حکومتی تسنن در شرق جهان اسلام، امکان رشد و گسترش تفکر شیعی دوازده امامی در ایران بیش از پیش فراهم شد تا جایی که در زمان ایلخانان مدتی شیعه مذهب رسمی کشور شد. باورهای عرفانی متأثر از تفکرات شیعه امامیه، در کنار ظلم ستیزی و دادگستری مبتنی بر اعتقادات مذهبی، مهم‌ترین انگیزه برای جذب مردم به این جنبش شد (سید جوادی، ۱۳۸۱).

حکومت سربداران نخستین دولت مستقل شیعی دوازده امامی و گسترده‌ترین نهضت شیعی، پیش از رسمیت یافتن این مذهب در ایران بود که زمینه ظهور بسیاری از نهضت‌های هم عصر و پس از خود را فراهم کرد. جنبش سربداران با الهام از مکتب مهدوی، با هدف استقرار یک حکومت مشروع و به منظور براندازی تشکیلات غیر شرعی ملوک الطوائفی و حذف بقایای قوانین و رسوم یاسایی عهد مغول شکل گرفت. موج دوم یورش مغول با ورود هلاکوخان به فلات ایران، موجب تأسیس دولت ایل خانی و از بین رفتن نهادهای سنتی قدرت و مذهب در این سرزمین شد. دولت عباسیان که سمبل مذهب اهل سنت و بهانه اتحاد مذاهب چهارگانه

سنی علیه شیعه به‌شمار می‌آمدند، از تخت خلافت فرو افتادند. (قلعه‌های اسماعیلیه که با افراطی‌گری‌های خود همه شیعیان را به غلو و انحراف متهم می‌کردند، یکی بعد از دیگری فتح شدند. (رشیدالدین، ۱۳۷۴). شیعیان، با از بین رفتن دو نهاد یادشده، در امان از تعقیب و شکنجه حاکمان عباسی و آسوده از باطنی‌گری اسماعیلی، مجال یافتند که مکتب خویش را تبلیغ کنند و ترویج دهند. ظهور شیخ خلیفه بنیان‌گذار اندیشه قیام سربداران و سیدحیدر آملی، مهم‌ترین اتفاق در زمان ایل‌خانان مغول بود که در قرن هشتم به عرصه اجتماع پا گذاشتند. دیدگاه مشترک این دو، تقریب تشیع و تصوف بود (خوانساری، ۱۳۹۱).

در مستدرکات اعیان‌الشیعه گفته شده: شیخ خلیفه، مؤسس اندیشه قیام سربداران، عالم دینی و شیعه و روشن‌فکر و مدافع حقوق طبقه زحمت‌کش و مظلوم بود. او صوفی نبود، بلکه تصوف را وسیله‌ای برای رسیدن به هدفش که همان مبارزه با نظام طاغوتی مغول بود، انتخاب کرده بود. (بلخی، ۱۳۷۵)

چه شیخ را صوفی بدانیم، چه تصوف را وسیله وی برای مبارزه بپنداریم، همه آنان که درباره وی سخن گفته‌اند، در این باره که شیخ شیعه بوده و نزد اقطاب صوفیه تربیت یافته، هم‌رأی و هم‌نظر هستند، ولی اگر اندکی دایره تفحص خود را بگسترانیم، به عنصر سوم در افکار و شخصیت وی دست می‌یابیم که در منابع به‌صورت مستقیم بدان اشاره نشده است؛ اندیشه انتظار برای ظهور امام مهدی علیه السلام. به تعبیر بهتر، شیخ نزدیکی ظهور امام مهدی علیه السلام را بسیار تبلیغ می‌کرد و ما در بررسی عقاید شاگردان و مریدان وی با این عنصر در اندیشه شیخ بیشتر آشنا خواهیم شد (سید جوادی، ۱۳۸۱).

تأسیس حکومت سربداران بر مبنای اندیشه ظهور

انتظار در اندیشه اسلامی تحقق پیروزی نهایی را منوط به اراده‌های اجتماعی می‌داند؛ زیرا با مطالعه واژه «اکثر» (در قرآن، درمی‌یابیم قرآن کریم در آسیب‌شناسی عدم تحقق مدینه فاضله جهانی عبودیت و عدالت، عامل اصلی را معطوف بودن اراده اکثریت جوامع به سوی باطل می‌داند و در مقابل تأکید دارد که اگر جهت این اراده‌های اکثری تصحیح شده و معطوف به حق شود، بشر به آن مدینه فاضله خواهد رسید: *وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم...* از منظر قرآنی اراده‌های اسلامی اگر در حجم و کمیت اکثری معطوف به مطالبه و تحقق

ارزش‌های آن جامعه ایده‌آل گردد، می‌تواند شرایط را برای تحقق آن دوران فراهم سازد: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. لذا، تحقق مدینه فاضله جهانی در فضایی از ابهام و در حاشیه‌ای جدا از متن زندگی مسلمانان نخواهد بود؛ زیرا بر فرض اگر مهدی موعودهم بر قرائت اهل سنت متولد نشده باشد، حکایت مسلمانان در این وضعیت شبیه قوم بنی‌اسرائیل در مصر خواهد بود؛ بدین‌گونه که به فرموده امام صادق آن‌ها در دوره ظلم و ستم فرعون با راهنمایی علمای خود به طراحی فرهنگ انتظار و امید معطوف به دعا برای ظهور (تولد - ظهور) حضرت موسی پرداخته و باعث جلو افتادن تولد و ظهور حضرت موسی شدند. یا همانند انتظار و حرکت تاریخی گروهی از اهل کتاب به سوی حجاز که درانتظار تولد و بعثت و ظهور پیامبر اسلام بودند و بر محوریت انتظارش ساختار و شیوه زندگی خود را طراحی نموده بودند (نصر، ۱۳۸۹).

از این‌رو مهم‌ترین دستاورد طراحی فرهنگ انتظار مقدس ناظر به چشم‌انداز درون دینی و اسلامی، ایجاد شدن امیدواری فردی و اجتماعی در جهان اسلام است؛ امیدی که اگر باعث هم‌افزایی فعالیت‌ها و اقدامات اجتماعی گردد بر اساس سنت‌های قطعی قرآنی می‌تواند باعث تقدم زمانی تحقق آن جامعه آرمانی شود و این بدین‌معناست که اراده‌های معطوف به نهضت‌های اسلامی که در مرحله آغازین خود - همانند مطالبه اولیه بنی‌اسرائیل درباره سقوط فرعون - که طالب اسقاط رئیس بودند، مقدمه‌ای است تا در نهایت بستر برای اسقاط نظام فراهم گردد. اما اسقاط نظام نباید به عنوان دستاورد نهایی تلقی شود، وگرنه دوباره دچار آسیب خواهد شد - همانند آسیب تاریخی قوم موسی پس از عبور از دریا که دچار توقف و رکودگرایی شدند - بلکه این بیداری در سند چشم‌انداز خود باید نخست مطالبه عبودیت و عدالت در جهان اسلام و سپس مطالبه عدالت جهانی را خواستار باشد. البته دولت سربداران نیز شاید از همین نقطه ضربه خورد که نتوانست بیش از ۵۰ سال حکومت کند. (امین، ۱۳۸۴).

ترویج اندیشه انتظار و نزدیکی ظهور توسط شیخ خلیفه، باعث گرد آمدن مردمان ستم دیده از جور مغولان و حاکمان محلی و آماده شدن زمینه برای قیامی بزرگ در سرزمین غرب خراسان شد، لذا اندیشه انتظار و نزدیکی ظهور شیخ خلیفه و ترس از قیام وی عامل اصلی خوف بزرگان محلی بوده است.

به دار کشیدن شیخ خلیفه در سال ۷۳۶ قمری در مسجد و مخفی شدن جانشین وی شیخ حسن جوری و بعد زندانی شدن وی توسط «امیر ارغون‌شاه»، قیام یاد شده را به تأخیر

انداخت (کیان فر، ۱۳۸۰). امیر عبدالرزاق باشتینی با مرگ ابوسعید ایل‌خانی، در جریان نزاعی که در باشتین به وجود آمده بود، رهبری نظامی این قیام را عهده‌دار شد و بعد از تسخیر سبزوار و به قدرت رسیدن در سال ۷۳۷ قمری، توسط برادرش امیر مسعود در سال ۷۳۸ قمری به قتل رسید. آن‌گاه امیر مسعود خود حکومت را برعهده گرفت تا آن را به رهبر واقعی قیام بسپرد که در واقع زمینه‌ساز و بسترساز آن بود. قیام‌کنندگان نیز به همین انگیزه با حمله به قلعه یازر و آزادی شیخ‌حسن جوری، رهبری قیام را به او سپردند (رضایی، ۱۳۸۷).

شیخ حسن جوری بعد از استادش وظیفه آماده ساختن مردم برای قیام را به عهده داشت و مدام آنان را به این امر ترغیب می‌کرد. برای تحقق بخشیدن به وعده‌های خویش و مرادش (شیخ خلیفه) درباره نزدیکی ظهور، در جنگ‌های متعددی شرکت نمود و در نهایت، سال ۷۴۳ قمری در یکی از جنگ‌ها به دست دشمن با توطئه امیر مسعود کشته شد (کیان فر، ۱۳۸۰). بنابراین باور عده‌ای از محققان، شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری سازمانی ایجاد کرده بودند که از نوعی ایدئولوژی مهدویت طرف‌داری می‌کرد و با تبلیغ و ترویج فرهنگ انتظار و قریب‌الوقوع خواندن ظهور، حلقه اتصال و اتحادی در میان پیروان آنان به وجود آورد (کیان فر، ۱۳۸۰).

جان اسمیت در توضیح اندیشه‌های حسن جوری می‌نویسد: حسن جوری با اتخاذ نوعی ایدئولوژی که هسته مرکزی اعتقادی آن ظهور قریب‌الوقوع امام دوازدهم بود و این‌که تمام مسلمین بایستی خود را برای کمک به مهدی علیه السلام و کار عظیم او آماده سازند، تشکیلاتی مرکب از پیشه‌وران و تجار که معتقد به این آیین بودند، ایجاد کرد که احتمالاً الهام گرفته از نهاد فتوت و سرسپردگی به یک مأموریت مذهبی بوده است. (آژند، ۱۳۶۱)

برخی نیز گفته‌اند: تعالیم شیخ حسن و شیخ خلیفه با تکیه بر جهان‌بینی مهدویت بر عدم جدایی دین و دولت تصریح می‌کرد. اعتقاد به مهدویت در تعبیر و ادبیات جنبش سربداران آشکار بود، آن‌چنان‌که شیخ حسن مریدان را به اختفا فرا می‌خواند و از آنان می‌خواست به هنگام ظهور آماده نبرد باشند. (آژند، ۱۳۶۱)

حکومت سربداران به دلیل اختلافات داخلی بین نظامیان و درویشان شیخی و جنگ با دشمنان خارجی، نتوانست شعایر دینی قیام‌کنندگان را به ظهور رساند. به همین دلیل، بسیاری از هواداران نهضت ناامید شدند و انزوا اختیار کردند. اما حادثه‌ای در گوشه‌ای از حکومت سربداران اتفاق افتاد که جریان این نهضت را عوض کرد؛ نهضتی را تغییر داد که با قیام

عبدالرزاق آغاز شد و تا زمان پهلوان حسن دامغانی ادامه یافت. آن‌گاه گوشه‌نشینان قیام دوباره به صحنه آمدند. درویش عزیز جوری، از پیروان شیخ حسن جوری که در پی منازعه بر سر قدرت به عراق مهاجرت کرده بود، در زمان حکومت پهلوان حسن دامغانی به خراسان بازگشت و در سرزمین طوس در قسمت شرقی دولت سربداری قیام کرد و با کمترین هزینه شهر را به تصرف درآورد. (پطروشفسکی، ۱۳۵۱)

درویش عزیز که خود را میراث‌دار شیخ حسن جوری و شیخ‌خلیفه می‌دانست، با بشارت ظهور امام مهدی علیه السلام کار خود را با مرکزیت طوس آغاز کرد. سخن درویش عزیز که بشارت ظهور را می‌داد، از سکه‌های به‌جامانده از دولت مستعجل او به‌دست می‌آید که در آن «سلطان محمد المهدی» ضرب شده است. البته وی و هوادارانش ادعای مهدویت یا نیابت آن امام را نکرده‌اند؛ زیرا هیچ دلیلی در منابع اهل سنت و شیعی بر این ادعا نمی‌توان یافت. ادعای زمینه‌سازی و بشارت را می‌توان عملی ناچارگونه در مقابل وعده‌های شیخ‌خلیفه و شیخ حسن جوری درباره نزدیکی ظهور دانست که با ضرب سکه به نام امام مهدی علیه السلام نمود پیدا کرد (آژند، ۱۳۶۱).

پهلوان حسن دامغانی، حاکم وقت سربداران، قیام درویش عزیز را سرکوب کرد و آخرالامر در پی مصالحه‌ای، قرار شد که درویش عزیز با گرفتن چند خروار ابریشم از طوس به عراق عجم برود. (رضایی، ۱۳۸۷)

اندکی بعد از قیام درویش عزیز، یکی دیگر از رهبران سربدار، به نام خواجه‌علی مؤید، در قسمت غربی حکومت سربداران سربرآورد. وی برای پیش‌برد اهداف خود درویش عزیز را از تبعیدگاه فراخواند و او را متحد خویش ساخت و آن‌گاه به سوی سبزوار حرکت کردند. آن دو، بعد از تصرف این شهر، سپاهیان هم‌راه پهلوان حسن را به کشتن اقربا و خویشان‌شان در سبزوار تهدید کردند و آنان نیز از ترس عملی شدن این تهدید، پهلوان حسن را کشتند و سر او را به سبزوار نزد خواجه‌علی مؤید فرستادند. (کیان فر، ۱۳۸۰)

بعد از تصرف سبزوار، حکومت در دستان خواجه‌علی مؤید و درویش عزیز تمکین یافت. این دو که حرکت خود را از شرق و غرب حکومت سربداران آغاز کرده بودند، درباره مذهب و قیام نیز باوری بسیار متفاوت داشتند. اطلاعات ما درباره جزئیات این دو شخص اندک است، ولی از قراین موجود می‌توان استنباط کرد که درویش عزیز در قیام خویش که آن را پیش‌درآمد

ظهور امام مهدی علیه السلام می‌پنداشت، به جنبه‌های صوفیانه و طریقتی بیشتر اهمیت می‌داد. برای مثال، به دستور او نام «سلطان محمد المهدی» را بر سکه‌ها ضرب کردند. از بررسی این نام می‌توان استنباط کرد که عقاید وی اندکی با عقاید تشیع در عراق، قم و لبنان متفاوت بوده است؛ چراکه شیعیان بنا بر احادیث متعدد از ذکر نام خاص امام مهدی علیه السلام نهی شده‌اند و حتی معتقدان به اختصاص نهی به دوره خوف یا دوره غیبت صغرا، چندان به ذکر نام خاص آن امام علاقه‌ای نشان نمی‌دادند و از دیگر القاب آن حضرت بهره می‌جستند، در حالی که درویش عزیز علاوه بر تعیین زمان ظهور، نام خاص آن را نیز بر روی سکه ضرب کرده بود. (مجلسی، ۱۳۶۳)

خواجه علی مؤید، برخلاف درویش عزیز، به جنبه‌های شریعتی بیشتر اهمیت می‌داد و باید او را شیعه شریعت‌گرا و متمایل به تشیع عراق، قم و لبنان خواند. مهم‌ترین سند این ادعا، دعوت‌نامه‌ای است که وی، به واسطه شمس‌الدین محمد آوی، برای شهید اول فرستاد (دوانی، ۱۳۶۴). وی در این نامه می‌نویسد: به عرض آن جناب که پیوسته قبله صاحب نظران است، می‌رسانیم که شیعه خراسان تشنه دیدار شمایند و فیض بردن از دریای فضل و دانستان بزرگان علمی این دیار از بد روزگار، پراکنده گشته و بیشتر یا همه‌شان تارومار شده‌اند و... از خدای متعال مسئلت چنین داریم که حضرتت به ما افتخار حضور و افشاندن نور بخشد تا از علمش پیروی کنیم و از راه و رسمش رفتار آموزیم (امینی، ۱۳۶۳). شهید اول که هنگام رسیدن پیک خواجه علی مؤید در بند سنیان متعصب شام گرفتار آمده بود، در جواب نامه یادشده کتاب اللعنة الدمشقیه را نوشت و به خراسان فرستاد (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹).

هرچند عوامل متعددی در بروز و ظهور قیام سربداران نقش داشته، اندیشه نزدیکی ظهور و بشارت‌های شیخ خلیفه و شیخ حسن جویری درباره قریب‌الوقوع بودن ظهور امام مهدی علیه السلام، مهم‌ترین عامل انسجام سربداران و پیروزی آنان بر حاکمان مغول بوده است. معلوم نیست که اندیشه انتظار فرج در میان سربداران از همان آغاز با افراط هم‌راه بوده باشد، ولی بی‌تردید درویش عزیز درباره آن به افراط گراییده و همین امر باعث ایجاد چالش بین او و خواجه علی مؤید شده که در نهایت این چالش نیز با کشته شدن درویش عزیز و پیروانش فروکش کرد. با این همه، پیروان فراری درویش که به حکومت فارس پناهنده شده بودند، راه او را ادامه دادند و حتی مدتی از نو، سبزوار را تصرف کردند. با وجود این، آنان نتوانستند به حیات

خود ادامه دهند و در نهایت با ورود تیمور لنگ به خراسان و کشته شدن خواجه‌علی مؤید در سال ۷۸۸ قمری، حکومت سربداران به صورت رسمی از میان رفت. اما شاهان صفوی بعد از رسیدن به قدرت، اندیشه آنان یعنی تقریب تشیع و تصوف را برای رسیدن به قدرت و خلع‌ید از صوفیان برگرفتند و عامل مهمی در ایجاد حکومت پهناور و قدرت‌مند صفویه گردید (آژند، ۱۳۶۱).

نتیجه‌گیری

قیام سربداران سبزواری بر بستر حرکت مسلمانان شیعه مذهب حرکتی تحول‌خواه و پیشرو و بر اساس اصول و مبانی اسلامی است. این حرکت در یک خیزش مردمی که برآمده از خستگی و خشم عمومی ناشی از تحمل ظلم‌های فراوان مغول بود، پس از تحقق پیروزی‌های اولیه توانست پس از مدت‌ها عزت، آزادی و عدالت را به ارمغان آورد و حکومت جور مغول را به یک حکومت اسلامی تبدیل کند.

بدیهی است اگر برای این قیام‌ها ریشه و مبنا و ساختاری اسلامی طراحی نگردد، خطر مصادره این قیام‌ها و ارزش‌های آن توسط فرصت‌طلبان وجود دارد. در میان آموزه‌های اسلامی نیز تنها اندیشه‌ای که ناظر به نیازهای زمانی مسلمانان در دوران پس‌پایامبری بوده و بر مبنای اصل عزت، عدالت و آزادی است، اندیشه‌ی مهدویت و فرهنگ انتظار است که از آن ناشی می‌شود. از این‌رو اگر اندیشه‌ی مهدویت به عنوان راهبرد بلندمدت در افق نهضت‌ها و قیام‌های اسلامی طراحی گردد، در میان مدت با طراحی فرهنگ انتظار در جوامع اسلامی ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، به حفظ و گسترش حضور اجتماعی اراده‌های مردمی در جوامع اسلامی می‌انجامد و آن‌ها را تا مقطع تحقق عدالت اجتماعی در جهان اسلام و جهانی‌سازی عدالت اسلامی در بلندمدت در صحنه نگه می‌دارد. در این صورت، مهم‌ترین دستاورد اندیشه انتظار برای نهضت‌های اسلامی تبدیل کردن آن به جریان بسترساز و زمینه‌سازی برای تحقق عدل جهانی، یعنی مهدویت است.

منابع:

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۶۱). **خروج و عروج سربداران**، تهران: انتشارات واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی و تاریخی.
۲. اصطخری، ابراهیم. (۱۳۶۸). **مسالك و ممالک**، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. امین، ساجو. (۱۳۸۴). **جامعه مدنی در جهان اسلام**، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد روز.
۴. امینی، عبدالحسین. (۱۳۶۳). **شهیدان راه فضیلت**، ترجمه جلال‌الدین فارسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات روزبه.
۵. بلخی، محمد بن خاوندشاه. (۱۳۷۵). **روضه الصفا**، تخلص عباس زریاب، قسم پنجم، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
۶. پطروشفسکی. (۱۳۵۱). **نهضت سربداران خراسان**، ترجمه کریم کشاورز، چاپ سوم: انتشارات پیام.
۷. خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۱). **روضات الجنات**، جلد دوم، قم: انتشارات مکتبه اسماعیلیان.
۸. دوانی، علی. (۱۳۶۴). **مفاخر اسلام**، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۸۷). **تاریخ ده هزار ساله ایران**، جلد سوم، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات اقبال.
۱۰. سید جوادی، احمد صدر. (۱۳۸۱). **دایره المعارف تشیع**، جلد ۹، چاپ اول، تهران: نشر شهید سعید محبی.
۱۱. فضل‌الله، رشیدالدین. (۱۳۷۴). **جامع التواریخ**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اقبال.
۱۲. کیان‌فر، جمشید. (۱۳۸۰). **روضه الصفا**، جلد هشتم، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۳. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۳). **بحار الانوار**، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.

۱۴. مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۹). *ریحانة الادب*، جلد سوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابفروشی خیام.
۱۵. نصر، سید حسین. (۱۳۸۹) *جوان مسلمان و دنیای متجدد*، ترجمه: مرتضی اسعدی، تهران، انتشارات طرح نو.

